

## تاریخ دریافت<sup>۱</sup>

مرضیه ملکشاهی

### مقدمه

تاریخ معاصر ایران عرصه ورود نام‌های مختلفی در حوزه‌های مختلف ادبی، هنری، فلسفی، سیاسی و غیره است که گاه با خود گفتمان‌هایی دوران‌ساز به همراه آورده‌اند. مارکس، فروید، سارتر، فوکو و دریدا را باید از جمله نام‌بردارترین این مهمانان گفتمان‌ساز در نیم‌قرن اخیر دانست. درباره‌ی تأثیر این اندیشمندان گفتمان‌ساز بر ادب و فلسفه و تفکر معاصر در ایران سخن بسیار رفته و پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است. اما آنچه که در غالب این پژوهش‌ها مورد غفلت قرار گرفته مجرای ورود این گفتمان‌ها یعنی ترجمه، انواع بازنویسی، و نیز شیوه دریافت و بازنمایی آنهاست، به طوری که در غالب این پژوهش‌ها پیش‌فرض اصلی این بوده است که یک نویسنده، گفتمان، یا مکتب خاص بدون هیچ‌گونه دگرگونی و تغییر و تبدیل و مقاومتی منتقل شده و تأثیراتی ایجاد کرده که بررسی این تأثیرات هدف پژوهش‌های آنهاست. این سخن بدین معنا نیست که مطالعاتی که به دریافت و بازنمایی یک نویسنده یا مکتب خاص می‌پردازند، لزوماً از مطالعاتی که به بررسی تأثیر یک نویسنده یا مکتب خاص می‌پردازند، بهترند. اما مطالعه دریافت به دلایلی پیش‌نیاز مطالعه تأثیر است. یعنی اینکه ابتدا باید بدانیم یک مکتب و نویسنده خاص را چگونه دریافت کرده‌ایم تا بتوانیم به مطالعه تأثیر با واسطه آن پردازیم. مطالعاتی که صرفاً به بررسی تأثیر می‌پردازند، دچار کاستی‌هایی از این قبیل‌اند:

۱. فرهنگ دریافت‌کننده را فرهنگی منفعل و تاثیرپذیر تلقی می‌کنند.

---

<sup>1</sup> Reception History

۲. نقش عاملان دریافت کننده (از جمله منتقدان، مترجمان، تاریخ‌نویسان و غیره) و همچنین گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم را بر دریافت و بازنمایی نویسنده یا گفتمان وارداتی نادیده می‌گیرند.

از میان متدولوژی‌های مختلف حوزه تاریخ‌نگاری، «تاریخ دریافت» که یکی از اشکال «نظریه دریافت» می‌باشد و در حوزه مطالعات تاریخی به کار گرفته شده است، از جمله رویکردهای مناسب برای بررسی دریافت گفتمان‌ها است. بدین منظور ابتدا به شرح نظریه دریافت خواهیم پرداخت و سپس می‌کوشیم تا کاربرد این نظریه را در حوزه ترجمه نشان دهیم.

### نظریه دریافت

اگرچه نظریه دریافت نظریه واحدی نیست و حوزه نسبتاً وسیعی را در نظریه ادبی در برمی‌گیرد، با وجود این، بیشتر محققانی که در حوزه نظریه دریافت کار می‌کنند بر برخی اشتراکات در تمام شاخه‌های این نظریه اتفاق نظر دارند. مهمترین این اشتراکات تأکید بر نقش خواننده در خلق معناست (هولتوروف، ۱۹۹۸). نظریه دریافت به بررسی نقش خواننده در ادبیات می‌پردازد و به همین سبب تحولی بزرگ در تاریخ نظریه ادبی به شمار می‌رود. ایگلتن (۲۰۰۵) تاریخ نظریه ادبی را به طور تقریبی به سه مرحله تقسیم می‌کند: تأکید بر روی مولف (رمانتیسم و قرن ۱۹)؛ توجه صرف به متن (نقد جدید)؛ و چرخش توجه به سوی خواننده در سال‌های اخیر.

در بحث درباره نظریه دریافت می‌توان بین دو سنت تمایز قائل شد: سنت اروپایی و سنت آمریکایی. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سنت اروپایی هانس-روبرت یائوس آلمانی است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در چارچوب نظریه «زیبایی‌شناسی دریافت» به کار پرداخت. یائوس در کتاب *به سوی زیبایی‌شناسی دریافت* مفهوم «افق انتظار» را مطرح می‌کند. وی این مفهوم را برای اطلاق به مجموعه‌ای از معیارها، مفروضات و هنجارهای فرهنگی که تعیین‌کننده شیوه درک خوانندگان از یک اثر ادبی است به کار می‌برد. از نظر یائوس دریافت یعنی فرآیندی که از طریق آن خواننده معنایی خاص را بر ظرفیت‌های متن بار می‌کند (برمز؛ پینتو، ۲۰۱۳). بر اساس این تفکر معنا در یک فرایند پیچیده و در ارتباط با خواننده متن شکل می‌گیرد. دلیل اینکه برخی آثار در برخی زمان‌ها و با خوانش‌های خاصی مورد توجه قرار می‌گیرند به همین تعامل برمی‌گردد. در این نظریه بیش از اینکه به محور تولید و خلق توجه شود به

محور دریافت و خوانش توجه می‌شود و به جای اینکه به ویژگی‌های تولیدکننده گفتمان پرداخته شود ویژگی‌ها و افق انتظارات دریافت‌کننده گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد (نامور مطلق، ۱۳۸۷). بر اساس مفهوم «افق انتظارات» که برگرفته از آراء هایدگر و گادامر است خوانندگان در تفسیر یک متن یا جامعه ارزش‌ها، باورها، پارادایم‌ها و مدل‌های ذهنی خود را به کار می‌گیرند. به زعم یائوس پیش‌داوری‌های خواننده معنای متن و یا نیت مولف را مخدوش نمی‌کند؛ این پیش‌داوری‌ها که نوعی تأثیر سازنده مثبت دارند، افق ذهنی خواننده را بنا می‌نهند (مچور؛ گلدشتاین، ۲۰۰۱).

در دهه ۱۹۷۰ و تقریباً هم‌زمان با یائوس، محققان ادبی در امریکا نقد خواننده‌محور را مطرح کردند. یکی از برجسته‌ترین محققان این حوزه استنلی فیش است. در نظریه فیش متون خارج از مجموعه‌ای از مفروضات فرهنگی هیچ معنایی ندارند. به زعم فیش ما متن‌ها را تفسیر می‌کنیم چرا که بخشی از یک جامعه تفسیری هستیم که شیوه‌ای خاص از خواندن متون را بر ما تحمیل می‌کند. مفهوم «جامعه تفسیری» مفهومی بسیار کارآمد و پر استفاده است. طبق این مفهوم «افق انتظارات» ما صرفاً ذهنی و فردی نیست، بلکه جمعی است و به عوامل مختلفی از جمله تاریخ، جغرافیا، موقعیت، آموزش، سن، جنسیت و غیره بستگی دارد (برمز؛ پینتو، ۲۰۱۳).

به طور کلی، در نظریه دریافت می‌توان بین چندین نوع خواننده تمایز قائل شد:

۱. خواننده فرضی (imagined): تصویری که نویسنده از خواننده واقعی دارد.
۲. خواننده مورد نظر (intended): تصویری که نویسنده از خواننده ضمنی دارد.
۳. خواننده آشکار (explicit): خواننده ساختگی که در متن مورد خطاب قرار گرفته است.
۴. خواننده ضمنی (implicit): خواننده‌ای که توسط ویژگی‌های متن تعیین می‌شود.
۵. خواننده مطلوب (ideal): شایسته‌ترین خواننده برای یک متن خاص.
۶. خواننده واقعی (actual): درست مثل خود شما در حین خواندن این متن.
۷. خواننده آرمانی (archereader): خواننده مثالی که ویژگی‌های آن از گروهی معین از خوانندگان انتزاع می‌شود.

این خوانندگان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: خواننده تصور شده توسط نویسنده (۲+۱)، خواننده درون متن (۵+۳)، و خواننده واقعی (۷+۶). نظریه دریافت عمدتاً بر روی دو گروه اخیر تحت عناوین «زیبایی‌شناسی دریافت» (ولفانگ ایزر) و

«تاریخ دریافت» (هانس روبرت یائوس) تأکید می‌کند. در زیبایی‌شناسی دریافت به زبان پرداخته می‌شود و این مسئله که چگونه خواننده در فرآیند خوانش متن دست به خلق معنا می‌زند. در «تاریخ دریافت» خوانندگان و دریافت آنها از متن در بافت‌های مختلف تاریخی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (هولتوروف، ۱۹۹۸). در تاریخنگاری دریافت بر خوانندگان شماره ۶ و ۷ تأکید می‌شود.

به اعتقاد یائوس تاریخ ادبی واقعی تاریخی است که دریافت‌های مختلف از یک اثر را پیگیری می‌کند. به زعم وی تاریخ یک متن ادبی در واقع تاریخ تحول و تکامل مخاطبان است و نه تاریخ نویسنده (مچور؛ گلدشتاین، ۲۰۰۱). اما نظریه تاریخ ادبی به مثابه تاریخ دریافت چه چیز تازه‌ای را مطرح می‌کند؟ همان‌طور که تامپسون (۱۹۹۳) می‌گوید تاریخنگاران ادبی از دیرباز به نویسندگان و مخاطبان آنان، به دریافت آثاری خاص، به شهرت و محبوبیت نویسندگان و متون و همچنین تفاسیر مختلف از این متون و تأثیرات آنها توجه نشان داده‌اند و در واقع منشأ زیبایی‌شناسی دریافت را می‌توان در آراء ارسطو درباره نقش توقعات و انتظارات مخاطبان و جامعه در اطلاق ارزش زیبایی‌شناختی به تراژدی یافت. با وجود این، نظریات جدید در حوزه تاریخ دریافت دست کم از دو منظر جدید هستند: اول، میزان خودآگاهی روش‌شناختی و پالایش مفهومی که از مجموعه مفاهیمی که در این حوزه برای تمایز قائل شدن بین دریافت، نتیجه و تأثیر به وجود آمده است قابل تشخیص است، به طوری که معمولاً بین تاریخ تأثیرات و تاریخ دریافت تمایز قائل می‌شوند. و دوم، تنزل قابل توجه مقام مولف که نتیجه بارز شدن نقش خواننده - خواننده واقعی یا مفروض - به عنوان خالق معنی در متن است. در واقع نوآوری یائوس و همکاران او در این بود که از بررسی تأثیرات معانی مورد نظر نویسنده روی برگردانده و به معانی خلق شده توسط خوانندگان پرداختند. بنابراین، تاریخ دریافت پا را از جستجوی صرف ظرفیت‌های متن و یا معانی مورد نظر نویسنده فراتر نهاده و به تعاملات پیچیده بین متن (اشکال مختلف متن) و انتظارات خوانندگان مختلف در شرایط تاریخی مختلف می‌پردازد (همان). با وجود تمام اختلاف نظرهایی که در این حوزه وجود دارد، تاریخنگاران معمولاً از کاربرد مفهوم «تأثیر» خودداری کرده و به جای آن اغلب از مفاهیمی چون دریافت (به معنای تأمل و قضاوت منتقدانه درباره یک اثر) و نتیجه (خروجی) (به معنای دگرگونی خلاقانه، جذب و بازتولید یک اثر) استفاده می‌کنند (همان).

به زعم یائوس (به نقل از تامپسون، ۱۹۹۳) برای نوشتن تاریخ واقعی ادبیات باید از تقلیل‌گرایی رایج در تاریخ فرهنگی و تاریخ ادبی مارکسیستی و همچنین از دایره محدود زیبایی‌شناسی فرمالیست‌ها و ساختارگرای چک پرهیز کرد. همانطور که یائوس می‌گوید تمایل تاریخ ادبیات مارکسیستی برای تقلیل دادن هنر به انعکاسی از نیروهای اجتماعی دو مسئله را نادیده می‌گیرد: ماهیت انقلابی هنر و توانایی ماندگاری آن در شرایطی غیر از شرایط تولید. به عقیده یائوس (۱۹۷۰) هم رویکردهای فرمالیستی و هم رویکردهای مارکسیستی با تأکید بر نظام تولید و بازنمایی از جنبه مهمی از ادبیات که مرتبط با ویژگی‌های زبانشناختی و کارکرد اجتماعی آن است غفلت می‌کنند: یعنی از دریافت و تاثیر آن. در هر دو این نظریه‌ها خواننده، شنونده، تماشاگر - و به طور کلی مخاطب - نقش بسیار محدودی ایفا می‌کند. نقد مارکسیستی سنتی اگر به خواننده توجهی هم نشان دهد، این توجه از نوع توجهی است که به نویسنده می‌کند؛ یعنی به توصیف موقعیت اجتماعی وی و جایگاه وی در ساختار جامعه می‌پردازد. در مکتب فرمالیستی هم خواننده صرفاً با پیروی از رهنمودهای متن به درکی از فرم متن و تکنیک‌های آن می‌رسد. در مکتب فرمالیستی فرض بر این است که خواننده از دانش نظری کافی برای تامل درباره ابزارهای ادبی برخوردار است (همان). به زعم یائوس (۱۹۷۰) زندگی تاریخی یک اثر ادبی بدون در نظر گرفتن مشارکت فعال مخاطبان قابل تصور نیست و اگر تاریخ ادبیات به مثابه دیالوگ بین اثر و جامعه در نظر گرفته شود، تضاد میان جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و تاریخی آن از میان برداشته می‌شود.

### تاریخ دریافت و ترجمه

بر طبق نظریه دریافت تمام دریافت‌هایی که از یک اثر در گذشته و حال صورت گرفته معتبر هستند و بررسی ویژگی‌های خاص آنها هدف تاریخ‌نگاری دریافت است. مارکوس (۲۰۱۵) تاریخ‌نگاری دریافت را اینگونه تعریف می‌کند:

تاریخ‌نگاری دریافت در واقع تاریخ آن دسته از معانی است که به رویدادهای تاریخی نسبت داده شده است. در این رویکرد شیوه‌های مختلفی که از طریق آن مشارکت‌کنندگان، مشاهده‌گران، تاریخ‌دانان و دیگر مفسران تلاش کرده‌اند وقایع مختلف را تفسیر و تعبیر کنند ردیابی می‌شود، شیوه‌هایی که برای معنا بخشیدن به رویدادها، چه در زمان وقوع آنها و چه بعد از آن به کار گرفته شده است.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در تاریخ دریافت مورد نظر یائوس تاکید بیشتر بر خوانندگان واقعی (۷+۶) است. برای به‌کاربردن نظریه دریافت و تاریخ دریافت در بافت فرهنگ مقصد باید تعدیلاتی در آن ایجاد کنیم. قدم اول مشخص کردن طیف خوانندگان واقعی (۷+۶) در فرهنگ مقصد است. شاید بتوان ترجمه را ملموس‌ترین و بارزترین دریافتی دانست که از متن مبدأ صورت می‌گیرد، و بسته به اهمیت آن در فرهنگ مقصد خود مجرای دریافت‌های بعدی می‌شود. اگر فرهنگ مقصد فرهنگی مبتنی بر ترجمه باشد، آنگاه ترجمه‌ها خود تبدیل به متونی اصلی می‌شوند که دریافت‌های مختلف بر اساس آنها شکل می‌گیرد. انواع دریافت‌کننده در حوزه ترجمه (فرهنگ مقصد) عبارتند از: ۱- مترجمان، ۲- منتقدان، ۳- پژوهشگران ۴- نویسندگان بومی ۵- خوانندگان، ۶- تاریخ‌نگاران.

همه این نوع خوانندگان به نحوی با ترجمه مرتبط‌اند. یا خود مستقیماً متن اصلی را می‌خوانند و در آثار خود به‌نحوی دست به ترجمه غیرمستقیم می‌زنند و یا اینکه خواننده ترجمه‌های متن اصلی هستند. پس در هرگونه گزارشی درباره دریافت‌گفتمان‌های مختلف تا حد امکان باید به همه این دریافت‌کنندگان پرداخته شود.

از آنجا که انتقال‌گفتمان در معنای فیزیکی آن از طریق ترجمه هیچ تضمینی بر پذیرش و تثبیت یک‌گفتمان در یک جامعه نیست، برای درک تاثیر گفتمان در یک فرهنگ نیاز به تفسیر داده‌های تاریخی داریم. بنابراین، علاوه بر جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌های مربوط به انتقال فیزیکی گفتمان، باید در سطحی دیگر دست به تفسیر این داده‌ها بزنیم. در سطح تفسیر باید بر اساس داده‌های بررسی شده در سطح فهرست‌نگاری، درباره دریافت و مقبولیت یک‌گفتمان و علل مختلف دریافت آن در یک فرهنگ خاص دست به تفسیر زد.

در سطح فهرست‌نگاری داده‌های مربوط به ترجمه‌ها و دیگر اشکال انتقال و داده‌های مربوط به مترجمان و دیگر دریافت‌کنندگان بررسی می‌شود. داده‌هایی که باید در سطح فهرست‌نگاری بررسی شوند عبارتند از: فهرست آثار ترجمه شده از نمایندگان یک‌گفتمان خاص، فهرست آثار ترجمه‌نشده، فهرست بازترجمه‌ها، تیراژ ترجمه‌ها، تجدید چاپ، فهرست آثار بومی نوشته شده درباره یک‌گفتمان خاص یا نمایندگان آن و غیره. در سطح فهرست‌نگاری می‌توان پرسش‌هایی از این دست مطرح کرد:

۱. الگوی ترجمه‌های یک گفتمان خاص (اولین ترجمه‌ها، تاریخ انتشار ترجمه‌ها، بازترجمه‌ها، فاصله زمانی بین ترجمه‌ها، آثار ترجمه‌نشده و ...) به چه صورت است؟

۲. چه مترجمان و منتقدان و نویسندگانی با چه وابستگی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی و ایدئولوژیکی دست به ترجمه و تفسیر گفتمان موردنظر زده‌اند. داده‌هایی که باید در سطح تفسیر بررسی شوند عبارتند از: پیرامتن‌های ترجمه‌ها، نوشته‌های بومی دربارهٔ یک گفتمان خاص (در قالب کتاب، مقاله، مصاحبه و غیره)، پروفایل حرفه‌ای مترجمان، نویسندگان و دیگر دریافت‌کنندگان گفتمان. در سطح تفسیر می‌توان بر اساس داده‌های بررسی شده در سطح فهرست‌نگاری و همچنین مطالعه بافت دریافت گفتمان به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داد:

۱. الگوی ترجمه‌ها (اولین ترجمه‌ها، تاریخ انتشار ترجمه‌ها، بازترجمه‌ها، فاصله زمانی بین ترجمه‌ها، آثار ترجمه‌نشده و ...) و پروفایل حرفه‌ای مترجمان<sup>۲</sup> و نویسندگان (برنامه‌ها، وابستگی‌های سیاسی و مذهبی آنان و ...) چگونه بر دریافت این گفتمان خاص و نمایندگان آن در ایران و تحولات تدریجی آن اثر گذاشته است؟

۲. فرامتن‌های ترجمه‌های آثار مربوط به این گفتمان و کتب تألیفی فارسی که درباره این گفتمان نگاشته شده است چه تصویری از این گفتمان و نمایندگان آن ارائه کرده‌اند؟

۳. تصویری که نویسندگان و مترجمان ایرانی از این گفتمان ارائه کرده‌اند چگونه در طی زمان و در بافت‌های متغیر سیاسی و اجتماعی تغییر کرده است؟

۴. گفتمان مورد بررسی در تقابل یا تعامل با چه گفتمان‌هایی دریافت شده است؟

۵. دریافت‌کنندگان گفتمان موردنظر چه اهداف فرهنگی یا ایدئولوژیکی را دنبال کرده‌اند؟

---

<sup>۲</sup> از آنجا که در ایران ترجمه نقش بسیار مهمی در انتقال گفتمان‌ها ایفا می‌کند و دریافت‌های مختلف بر اساس آن صورت می‌گیرد، در هرگونه گزارشی دربارهٔ انتقال گفتمان‌ها باید بر ترجمه بیش از دریافت‌های دیگر تأکید کرد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود که زندگی حرفه‌ای و سیاسی و اجتماعی مترجمان به عنوان اولین دریافت‌کنندگان نیز مورد بررسی قرار گیرد، تا تأثیر مترجمان بر بازنمایی گفتمان روشن شود.

### نتیجه گیری

ترجمه نقش بسیار مهمی در شکل گیری و انتقال گفتمان‌ها در مرزهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند، با وجود این، اغلب هنگام گزارش درباره ظهور و بروز گفتمان‌های مختلف نقش ترجمه به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شود. با توجه به اهمیت ترجمه در انتقال و رشد گفتمان‌های معاصر در ایران، در مقاله حاضر سعی شد تا رویکردی تاریخی برای پرداختن به مسئله انتقال گفتمان‌های معاصر در ایران پیشنهاد شود. اتخاذ رویکرد تاریخی مانع از اعمال نظریه‌ها و قالب‌های از پیش ساخته بر داده‌ها می‌شود و در نتیجه بر ویژگی‌های خاص انتقال هر گفتمان تأکید می‌کند. علاوه بر این، تأکید بر استفاده از نظریه دریافت در این رویکرد آن را از رویکردهای مشابه به مسئله انتقال گفتمان‌ها که صرفاً درصدد بررسی تاثیر گفتمان‌های وارداتی بر فرهنگ مقصد هستند و نقش فرهنگ دریافت‌کننده را در شیوه شکل‌گیری گفتمان نادیده می‌گیرند، متمایز می‌کند.

### منابع

- نامور مطلق، ب (۱۳۸۷). یائوس و ایزر: نظریه دریافت. *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. زمستان ۱۳۸۷. شماره ۱۱. ۹۳-۱۱۰
- Brems, E., Pinto. S. R. (2013). Reception and translation. In Y. Gambier, L. v. Doorslaer. *Handbook of Translation Studies* (pp. 142-147). Benjamins Publication.
- Eagleton, T. (2005). *Literary Theory: An Introduction*. Oxford: Blackwell Publishing
- Hermans, T. (2012). Response. *Translation Studies*. 5(2). 242-245
- Holtorf, C. J. (1998). The reception history of monuments. Retrieved at <https://tspace.library.utoronto.ca/citd/holtorf/2.4.html>.
- Jauss, H.R. (1970). Literary History as a Challenge to Literary Theory. *New Literary History* 2(1). 7-37.
- Machor, J. L. and Goldstein, P. (2001). *Reception Study: From Literary Theory to Cultural Studies*. London and New York: Routledge
- Marcus. H (2015, December 8). Reception History. Retrieved at <http://www.history.ucsb.edu/faculty/marcuse/receptionhist.htm#def>
- Thompson, M. P. (1993). Reception Theory and the Interpretation of Historical Meaning. *History and Theory*. 32(3). 248-272.

\*\*\*\*\*